



المنار در آینه الميزان

تحليل و بررسی نقدهای علامه طباطبائی (ره) بر تفسیر المنار

مسعود تاج آبادی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۲

تاج‌آبادی، مسعود، ۱۳۴۵ -
المنار در آینه المیزان: تحلیل و بررسی نقدهای علامه طباطبایی (ره) بر تفسیر المنار / مسعود تاج‌آبادی. - قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
چهارده، ۲۹۰ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۵۰: علوم قرآنی؛ ۲۹)
ISBN: 978-600-298-019-9
بهاء: ۷۷۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۷۹]-۲۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. رضا، محمد رشید، ۱۸۶۵-۱۹۳۵م. تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار - نقد و تفسیر. ۲. طباطبایی،
محمدحسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن - نقد و تفسیر. ۳. تفاسیر اهل سنت - قرن ۱۴. ۴. تفاسیر
شیعه - قرن ۱۴. الف. رضا، محمد رشید، ۱۸۶۵-۱۹۳۵م. تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار. شرح.
ب. طباطبایی، محمدحسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن. فارسی. برگزیده. شرح. ج. پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه. د. عنوان. ه. عنوان: تحلیل و بررسی نقدهای علامه طباطبایی (ره) بر تفسیر المنار.
۱۳۹۲ ۲۷۰۲۱۲ ت / ۹۸ BP ۱۷۹ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی ۳۱۲۸۴۰۰



المنار در آینه المیزان (تحلیل و بررسی نقدهای علامه طباطبایی (ره) بر تفسیر المنار)

مؤلف: مسعود تاج‌آبادی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۷۷۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰
ص.پ. ۳۱۵ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع علمی برای رشته تفسیر و علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات قرآن پژوهی تدوین یافته است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از محقق محترم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود تاج‌آبادی و همچنین ناظر علمی طرح جناب حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر بابایی تشکر و قدردانی نماید. امید که این اثر برای علاقه‌مندان به مباحث قرآنی مفید واقع شود.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بخش اول: معرفی اجمالی المیزان، المنار و مؤلفان آنها / ۵	
فصل اول: معرفی مؤلفان المیزان، المنار و سبک تفسیری آنها	۷
گفتار اول: معرفی مؤلفان المیزان و المنار	۷
زندگی نامه علامه طباطبایی (ره)	۷
زندگی نامه شیخ محمد عبده	۸
زندگی نامه سید محمد رشید رضا	۹
گفتار دوم: ویژگی‌ها و سبک المیزان و المنار	۱۰
المیزان	۱۰
ویژگی‌های المیزان	۱۰
سبک المیزان	۱۱
المنار	۱۲
تدوین المنار	۱۲
سبک تفسیری عبده	۱۲
سبک تفسیری رشید رضا	۱۴
فصل دوم: مقایسه شاخصه‌های کلی المنار با المیزان	۱۶
کاربرد عقل	۱۶
الف) عقل و فهم قرآن	۱۶
ب) عقل فلسفی و عقل تجربی	۱۸
ج) تأویلات عقلی المنار	۲۱
انتقاد مفسران از روش عقلی مؤلفان المنار	۲۳
جامعه‌نگری	۲۴

۲۵	تفاوت‌های میزان و المنار
۲۷	علم‌گرایی
۳۱	کاربرد روایات
۳۱	الف) حجیت روایات
۳۲	ب) اقسام و نقش روایات تفسیری
۳۵	رویکرد روایی علامه طباطبایی(ره)

بخش دوم: نقدهای علامه طباطبایی(ره) بر المنار / ۳۷

۴۰	فصل اول: نقدهای علامه طباطبایی(ره) بر المنار در موضوع نبوت
۴۰	مقدمه
۴۰	نقد ۱: وحدت انسان‌ها پیش از بعثت پیامبران
۴۰	محور آیه و آرای مفسران
۴۱	قول اول: اجتماع انسان‌ها بر هدایت
۴۱	قول دوم: اجتماع انسان‌ها بر دین حق
۴۲	قول سوم: اجتماع انسان‌ها بر گمراهی
۴۲	نقد قول سوم
۴۳	قول چهارم: اجتماع انسان‌ها بر فطریات
۴۳	دیدگاه رشید رضا: دلالت آیه بر مدنی بالطبع بودن انسان
۴۶	دیدگاه علامه طباطبایی(ره): بروز اختلاف اجتماعی منشأ تشریح دین
۴۸	نقد اول علامه(ره) بر المنار
۴۸	بررسی سخن علامه(ره)
۵۰	نقد دوم علامه(ره) بر المنار
۵۰	بررسی نقد علامه(ره)
۵۰	نقد سوم علامه(ره) بر المنار
۵۱	بررسی نقد علامه(ره)
۵۲	تأملی در تفسیر برگزیده علامه طباطبایی(ره) و رشید رضا
۵۴	نکته‌ها
۵۵	حاصل سخن
۵۵	نقد ۲: آیه غار
۵۵	محور آیه و آرای مفسران
۵۶	الف) مرجع ضمیر در «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ»
۵۷	نقد واردشده بر ارجاع ضمیر به ابوبکر
۵۹	نقد اول علامه(ره) بر سخن رشید رضا
۶۰	نقد دوم علامه(ره) بر رشید رضا

۶۱	تأملی در استدلال رشید رضا
۶۳	ب) بررسی دیدگاه رشید رضا درباره روایت حبیب بن ابی ثابت
۶۳	نقد نخست علامه(ره)
۶۴	نقد دوم علامه(ره)
۶۵	اعتراض رشید رضا بر دیدگاه رقیب
۶۶	پاسخ علامه(ره) به نقد رشید رضا
۶۷	دو نکته
۶۹	حاصل سخن
۶۹	نقد ۳: مستند اذن دادن پیامبر(ص) به منافقان در ترک جنگ تبوک
۷۰	محور آیه و آرای مفسران
۷۱	بررسی نقد رشید رضا بر زمخشری
۷۲	دیدگاه رشید رضا: تفکیک بین ذنب لغوی و اصطلاحی
۷۴	نقد علامه طباطبایی(ره) بر رشید رضا
۷۴	نقد اول
۷۶	نقد دوم
۷۸	بررسی نقد علامه(ره)
۸۰	نقد سوم
۸۱	تحلیل و بررسی استدلال رشید رضا
۸۵	حاصل سخن
۸۵	نقد ۴: مستند قضاوت‌های پیامبر(ص)
۸۵	محور آیه و آرای مفسران
۸۶	نظر رشید رضا: علم به احکام کلی
۸۶	نقد علامه طباطبایی(ره)
۸۷	روایت نخست
۸۷	روایت دوم
۸۹	حاصل سخن
۸۹	نقد ۵: موضوع اطاعت از پیامبر(ص)
۹۰	محور آیه و آرای مفسران
۹۰	دیدگاه رشید رضا: تفاوت اطاعت از خدا و اطاعت از پیامبر به لحاظ متعلق
۹۰	نقد علامه(ره) بر رشید رضا
۹۱	تحلیل و بررسی نقد علامه طباطبایی(ره)
۹۳	حاصل سخن
۹۳	نقد ۶: قصه یوسف(ع) و زلیخا
۹۳	محور آیه و آرای مفسران

۹۴	واژه همّ
۹۵	واژه لولا
۹۵	روایات
۹۶	آرای مفسران
۹۸	تحلیل و بررسی نظر رشید رضا
۹۸	الف) مقصود از «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا»
۹۹	نقد علامه طباطبایی(ره)
۹۹	ب) اعتراض رشید رضا به مفسران
۱۰۱	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۱۰۱	دو نکته
۱۰۲	ج) مقصود از «وَهَمَّ بِهَا»
۱۰۲	نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۰۵	نقد نظر رشید رضا در آرای مفسران معاصر
۱۰۶	حاصل سخن
۱۰۷	نقد ۷: انکار شفاعت
۱۰۷	محور آیه و آرای مفسران
۱۰۸	نظر رشید رضا: تأویل آیه به نفی شفاعت
۱۰۹	الف) دلالت جمله «وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا» بر نفی تأثیرگذاری مخلوقات
۱۰۹	نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۱۱	ب) دلالت آیه بر بطلان شفاعت
۱۱۲	نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۱۳	ج) استشهاد رشید رضا به آیات دیگر
۱۱۴	نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۱۷	حاصل سخن
۱۱۷	نقد ۸: نفی مشروعیّت سوگند دادن خداوند به پیامبر(ص)
۱۱۷	محور آیه و آرای مفسران
۱۱۸	روایت ابن عباس
۱۱۸	اعتراض رشید رضا بر روایت ابن عباس
۱۱۹	الف) اعتراض رشید رضا بر اسناد روایت
۱۲۰	ب) اعتراض رشید رضا بر مضمون روایت
۱۲۰	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۱۲۰	مشروعیّت سوگند به شخص پیامبر(ص)
۱۲۱	نقدی بر پاسخ علامه(ره)
۱۲۲	مشروعیّت سوگند به حق پیامبر(ص)
۱۲۴	حاصل سخن

۱۲۴	نقد ۹: مراد از نزول فضل خدا در جنگ بدر
۱۲۴	محور آیه و آرای مفسران
۱۲۶	نظر رشید رضا درباره «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ»
۱۲۶	طرح و بررسی نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۲۸	حاصل سخن
۱۲۸	نقد ۱۰ و ۱۱ و ۱۲: عذاب استیصال
۱۲۹	آیه نخست: نفی عذاب استیصال به دلیل مقام پیامبر(ص)
۱۲۹	تفسیر مشهور
۱۳۰	تفسیر علامه طباطبایی(ره)
۱۳۱	سخن رشید رضا درباره آیه «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ»
۱۳۱	نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۳۲	تحلیل و بررسی نقد مرحوم علامه(ره)
۱۳۷	آیه دوم: کثرت مؤمنان مانع عذاب استیصال
۱۳۷	محور آیه و آرای مفسران
۱۳۸	نظر رشید رضا
۱۳۹	طرح و بررسی نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۴۱	آیه سوم: بقای امت محمدی
۱۴۱	محور آیات و آرای مفسران
۱۴۱	سخن رشید رضا
۱۴۱	طرح و بررسی نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۴۵	بررسی نظر علامه(ره) ذیل آیات سوره یونس
۱۴۷	حاصل سخن
۱۴۸	فصل دوم: امامت
۱۴۸	مقدمه
۱۴۸	نقد ۱۳: آیه مباهله
۱۴۹	محور آیه و آرای مفسران
۱۵۰	الف) نقد شیخ عبده بر دیدگاه شیعه
۱۵۰	نقد اول شیخ عبده: شیعی بودن روایات مباهله
۱۵۰	پاسخ علامه طباطبایی(ره) از نقد اول
۱۵۱	توضیح و تأییدی بر سخن علامه طباطبایی(ره)
۱۵۳	نقد دوم عبده: تعارض دیدگاه شیعه با قواعد ادبی
۱۵۳	پاسخ علامه طباطبایی(ره) از نقد دوم
۱۵۴	نقد سوم عبده: ناهماهنگی آیه مباهله با روایات
۱۵۵	پاسخ علامه طباطبایی(ره) به نقد سوم

۱۵۷	نکته
۱۵۷	ب) طرح و بررسی نظر عبده در تفسیر آیه
۱۵۷	۱. مضمون کلی آیه
۱۵۷	نقد علامه(ره)
۱۵۸	دو نکته
۱۵۹	۲. دلالت آیه بر یقین مؤمنان عصر پیامبر(ص)
۱۵۹	نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۶۰	بررسی نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۶۱	۳. مقصود از «ندع» در آیه
۱۶۲	نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۶۴	نکته
۱۶۴	ج) نقل و نقد سخن رشید رضا
۱۶۵	چند نکته
۱۶۶	نقد و بررسی دفاع دروزه از عبده
۱۶۹	حاصل سخن
۱۷۰	نقد ۱۴: آیه تبلیغ
۱۷۰	محور آیه و آرای مفسران
۱۷۱	توضیح اجمالی نظر رشید رضا
۱۷۲	الف) نظر رشید رضا درباره روایات وارد شده در شأن نزول آیه
۱۷۲	نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۷۳	بررسی نقد علامه طباطبایی(ره)
۱۷۴	نقدی دیگر بر رشید رضا
۱۷۴	ب) دیدگاه رشید رضا درباره داستان حارث بن نعمان فهري
۱۷۵	بررسی اشکالات رشید رضا بر روایت ثعلبی
۱۷۵	اشکال اول رشید رضا: مکی بودن سوره معارج
۱۷۵	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۱۷۵	تأییدی بر سخن علامه طباطبایی(ره)
۱۷۶	اشکال دوم رشید رضا: تحلیل سخن حارث بن نعمان
۱۷۷	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۱۷۹	پاسخی دیگر از اشکال رشید رضا
۱۷۹	اشکال سوم رشید رضا: نفی صحابی بودن حارث بن نعمان
۱۷۹	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۱۸۰	اشکال چهارم رشید رضا: تشکیک در مکان حادثه
۱۸۰	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۱۸۱	مأخذ اشکالات رشید رضا بر روایت ثعلبی

۱۸۱	حاصل سخن
۱۸۱	نقد ۱۵: آیه اکمال دین
۱۸۲	محور آیه و آرای مفسران
۱۸۲	آرای مفسران درباره «الْيَوْمَ يَأْسُ»
۱۸۴	نظر صاحب المنار درباره آیه اکمال دین
۱۸۵	بررسی نقدهای علامه طباطبایی(ره) بر المنار
۱۸۵	نقد اول
۱۸۶	نقد دوم
۱۸۷	نقد سوم
۱۸۹	نقد دیگری بر رشید رضا
۱۹۰	نقد چهارم
۱۹۲	نکته‌ها
۱۹۳	حاصل سخن
۱۹۳	نقد ۱۶: آیه شاهد
۱۹۳	محور آیه و آرای مفسران
۱۹۴	الف) غرض آیه
۱۹۴	ب) مقصود از «من کان»
۱۹۴	ج) مقصود از یتلو
۱۹۴	د) مقصود از یتنه
۱۹۵	ه) مرجع ضمیر در یتلوه
۱۹۵	و) مقصود از شاهد
۱۹۵	ز) مرجع ضمیر در «منه»
۱۹۶	نقد رشید رضا بر روایات استشهدادی شیعه
۱۹۶	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۱۹۷	بررسی نقد علامه(ره)
۱۹۸	حاصل سخن
۱۹۹	نقد ۱۷: قوم برگزیده خداوند در سوره مائده
۱۹۹	محور آیه و آرای مفسران
۲۰۰	دیدگاه رشید رضا: تحویل مقصود آیه بر ابوبکر و یارانش
۲۰۱	الف) تأیید روایت قتاده
۲۰۲	نقد علامه(ره) بر رشید رضا
۲۰۴	دو نکته
۲۰۵	ب) نقد رشید رضا بر دیدگاه شیعه
۲۰۵	پاسخ علامه طباطبایی(ره) از نقد رشید رضا
۲۰۷	حاصل سخن

۲۰۸	فصل سوم: پدیده‌های فراطبیعی
۲۰۸	مقدمه
۲۰۸	نقد ۱۸: معجزات حضرت عیسی(ع)
۲۰۹	محور آیه و آرای مفسران
۲۰۹	نظر محمد عبده: فقدان دلیل بر تحقق معجزات عیسی(ع)
۲۱۰	نقد علامه(ره) بر محمد عبده
۲۱۱	تحلیل و بررسی سخن رشید رضا در سوره آل عمران
۲۱۲	سخن رشید رضا در تفسیر سوره مائده
۲۱۳	سخن رشید رضا در تفسیر سوره یونس
۲۱۴	حاصل سخن
۲۱۴	نقد ۱۹: قصه حضرت عزیر(ع)
۲۱۴	محور آیه و آرای مفسران
۲۱۵	الف) مقصود از موت در جمله «فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِثَّةَ مَآمٍ» چیست؟
۲۱۵	دیدگاه المنار: انکار مرگ و حیات مجدد حضرت عزیر(ع)
۲۱۶	نقد علامه(ره) بر المنار
۲۱۷	تحلیل و بررسی نقد علامه(ره)
۲۱۹	ب) مقصود از «انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا»
۲۲۱	دلیل اول المنار: ظهور لفظی آیه
۲۲۱	دلیل دوم المنار: استناد به تکرار واژه «انظر»
۲۲۲	بررسی ادله المنار
۲۲۴	پاسخ دلیل اول المنار
۲۲۵	پاسخ دلیل دوم المنار
۲۲۶	حاصل سخن
۲۲۶	نقد ۲۰: مرگ و حیات مجدد گروهی از بنی اسرائیل
۲۲۶	محور آیه و آرای مفسران
۲۲۸	نظریه المنار: حمل مفاد آیه بر تمثیل
۲۲۹	روایات صدور یافته درباره آیه
۲۳۰	بررسی ادله المنار
۲۳۰	دلیل اول: فقدان جزئیات قصه در آیات
۲۳۰	پاسخ علامه(ره)
۲۳۱	دلیل دوم المنار: ضعف روایات شأن نزول
۲۳۲	بررسی دلیل دوم
۲۳۳	دلیل سوم المنار: وحدت حیات طبیعی انسان
۲۳۳	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۲۳۵	دلیل چهارم المنار: تمسک به سیاق آیات

۲۳۵	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۲۳۶	نقد نهایی علامه طباطبایی(ره) بر المنار
۲۳۶	دفاع صاحب الکاشف از نظریه تمثیل
۲۳۷	نقد سخن صاحب الکاشف
۲۳۷	نکته‌ها
۲۳۸	حاصل سخن
۲۳۸	نقد ۲۱: زنده شدن مقتول بنی اسرائیل
۲۳۹	محور اختلاف نظر علامه طباطبایی(ره) و صاحب المنار
۲۳۹	دیدگاه رشید رضا: تأویل مفاد آیه به حکمی شرعی
۲۴۰	بررسی نقد علامه طباطبایی(ره) بر المنار
۲۴۲	نکته‌ها
۲۴۳	حاصل سخن
۲۴۴	فصل چهارم: احکام
۲۴۴	مقدمه
۲۴۴	نقد ۲۲: حلیت ذبایح اهل کتاب
۲۴۴	محور آیه و آرای مفسران
۲۴۵	حلیت طعام اهل کتاب
۲۴۵	دیدگاه رشید رضا
۲۴۶	۱. نقدهای رشید رضا بر نظریه شیعه
۲۴۶	نقد نخست رشید رضا: معنای لغوی طعام
۲۴۶	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۲۴۸	پاسخی دیگر به نقد رشید رضا
۲۴۸	دفاع نویسنده الکاشف از رشید رضا
۲۴۸	نقد دوم رشید رضا: وضوح حلیت حیوانات اهل کتاب
۲۴۹	پاسخ علامه طباطبایی(ره)
۲۵۰	۲. ادله رشید رضا برای اثبات حلیت ذبایح اهل کتاب
۲۵۰	دلیل نخست رشید رضا: فقدان نص بر حرمت ذبایح اهل کتاب
۲۵۰	نقد علامه طباطبایی(ره)
۲۵۱	بررسی نقد علامه(ره)
۲۵۶	دلیل دوم رشید رضا: حکمت اختصاص حرمت به ذبایح مشرکان
۲۵۶	نقد علامه طباطبایی(ره)
۲۵۷	دلیل سوم رشید رضا: تساهل شارع نسبت به اهل کتاب
۲۵۷	نقد علامه طباطبایی(ره)
۲۵۹	حاصل سخن

بخش سوم: کاستی‌های مبنایی المنار از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) / ۲۶۱

۲۶۴	فصل اول: تبرئه صحابه
۲۷۰	فصل دوم: تعصب مذهبی
۲۷۵	ضمیمه: فهرست دیگر نقدهای علامه طباطبایی (ره) بر تفسیر المنار
۲۷۵	الف) نبوت
۲۷۶	ب) اهل‌البيت(ع)
۲۷۶	ج) معجزات
۲۷۷	د) احکام و حقوق
۲۷۷	ه) سایر موضوعات
۲۷۹	منابع و مأخذ
۲۸۳	نمایه‌ها
۲۸۳	نمایه اعلام
۲۸۷	نمایه آیات

مقدمه

المنار یکی از تفسیرهای نام‌آشنای قرن چهاردهم و از جمله تفسیرهایی است که بیشترین تأثیر را در محافل علمی و پژوهش‌های قرآنی بر جای گذاشته است؛ آرای المنار مورد توجه، بهره‌مندی یا نقد عموم مفسران پس از آن واقع شده است.^۱

شخصیت علمی و اجتماعی شیخ محمد عبده، طرح آرا و افکار نو در حوزه دین‌پژوهی و رویکرد جامعه‌نگری و اصلاحی به قرآن، از علل مهم شهرت و اقبال محافل علمی و روشنفکری به تفسیر المنار است.

المنار در کنار ویژگی‌های مثبتش، دچار انحراف‌ها و لغزش‌هایی همچون سلفی‌گری، اعتراض و حمله به باورهای دینی و نوآوری افراطی شده است.

نکات یادشده سبب گردید تا مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تدوین المیزان، توجه ویژه‌ای به آرای المنار داشته باشد. اگرچه آرای دیگر مفسران عامه مانند زمخشری، فخر رازی، آلوسی و طبری نیز در المیزان به نقد کشیده شده‌اند، اما اهتمام علامه طباطبایی (ره) به نقد و تحلیل آرای المنار بسیار بیشتر از توجه ایشان به دیگر تفسیرها بوده است. این اهتمام ویژه علامه (ره) به آرای المنار باعث شده برخی اندیشمندان، تفسیر المیزان را حاشیه و تصحیح و تکمیل المنار بشمارند.^۲

۱. دروزه، الحدیث، ج ۱، ص ۲۵۷ و ۳۰۴؛ ج ۲، ص ۳۷ و...؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط، ج ۱، ص ۱۷۲؛ ج ۳، ص ۳۱۰؛ ج ۴، ص ۱۱۴؛ ج ۵، ص ۳۸؛ ج ۶، ص ۵۸ و...؛ زحیلی، المنیر، ج ۱، ص ۱۶۶؛ ج ۲، ص ۲۴۷؛ ج ۳، ص ۴۰؛ ج ۴، ص ۷؛ ج ۸، ص ۱۱۶ و...؛ تفسیر المراغی، ج ۱، ص ۸۰ و...؛ حایس، آیات الاحکام، ص ۴۴۶؛ بلاغی، آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۲۶۰؛ ج ۲، ص ۱۲۸ و...؛ خوبی، البیان، ص ۱۵۰، ۳۰۱، ۳۱۴، ۳۲۷ و...؛ حقینی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۵۱ و ۲۰۹؛ ج ۳، ص ۱۸۵؛ ج ۴، ص ۱۷۵ و...؛ مغنیه، الکاشف، ج ۱، ص ۱۱۰؛ ج ۲، ص ۳۵؛ ج ۳، ص ۳۲؛ ج ۴، ص ۳۳؛ ج ۶، ص ۲۱۸ و...؛ قرشی، احسن الحدیث، ج ۱، ص ۱۹؛ ج ۲، ص ۹۹؛ ج ۳، ص ۱۶۸ و...
۲. رک: معرفت، «مصاحبه با آیت‌الله معرفت»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۹ و ۱۰، ص ۲۶۸.

در کاوشی که انجام دادیم این نتیجه حاصل شد که در ۱۴۴ مورد، آرای المنار در المیزان نقد و بررسی شده‌اند؛ ۳۹ مورد نقدهایی است که بر دیگر تفسیرها نیز وارد است و ۱۰۵ مورد نقدهای اختصاصی علامه طباطبایی (ره) بر المنار است.

در این کتاب برآنیم تا به تحلیل و بررسی نقدهای علامه طباطبایی (ره) بر المنار بپردازیم و ضمن واکاوی و توضیح آرای مفسران مورد نظر، در حد توانمان، استواری و احیاناً کاستی نقدهای علامه طباطبایی (ره) را آشکار سازیم و از آنجا که تحلیل و بررسی همه نقدهای یادشده فراتر از حد و حوصله این پژوهش است در نتیجه ۲۲ مورد از موارد مهم و بنیادی را به صورت مبسوط بررسی کرده و نسبت به نقدهای دیگر، به ارائه فهرستی در قسمت ضمیمه بسنده کرده‌ایم.

تحقیق درباره موضوع این اثر از چند جهت ضروری می‌نماید:

جهت نخست، آرا و افکار مؤلفان المنار و اهدافی است که آنان در تدوین المنار در پی آن بوده‌اند. رویکرد اجتماعی و تربیتی به قرآن، دفاع و تجلیل از عقاید و آرای سلف، به‌ویژه ابن حنبل و اتباع او، هجمه به باورهای دینی و عقاید شیعی و تبیین آموزه‌ها و احکام دینی، از مهم‌ترین اهداف مؤلفان المنار از ورود به حوزه تفسیر قرآن است.^۱ افراط و تفریط مؤلفان المنار در موضوعات یادشده و لغزش‌ها و انحراف‌هایی که در پی داشته است، تحلیل و بررسی آنها را ضروری کرده است؛

جهت دوم، که بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید، آن است که مؤلفان المنار با مستندسازی قرآنی عقاید سلفی و تحمیل آرای خود بر قرآن، دچار نوعی تفسیر به رأی شده‌اند؛ جهت سوم ضرورت این تحقیق، روش عالمانه مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تحلیل و نقد آرای المنار است؛ رعایت انصاف و پرهیز از تعصبات مذهبی، تفکیک و پالایش آرای المنار و نقد منصفانه، ویژگی ممتاز رویکرد انتقادی علامه طباطبایی (ره) است.

اتکا بر مبانی و معارف مسلم قرآن و سنت، رعایت ضوابط و قواعد فن شریف تفسیر، پرداختن به مسائل و موضوعات مهم در نقد آرای المنار، از ویژگی‌های ممتاز رویکرد انتقادی المیزان است. نکات یادشده، المیزان را به حق، به میزانی دقیق و استوار برای سنجش آرای المنار تبدیل کرده است که اهمیت این مسئله با توجه به موقعیت و اعتبار المنار، کاملاً آشکار است.

۱. ر.ک. رشید رضا، المنار، ج ۹، ص ۵۷۶؛ ج ۱۰، ص ۱۳۵؛ ج ۸، ص ۲۸۵ و ۵۳؛ ج ۹، ص ۱۳۲؛ ج ۱، ص ۲۵۲؛ ج ۸، ص ۲۲۵؛ ج ۱۰، ص ۴۴۵-۴۴۹؛ ج ۱، ص ۵۹، ۱۰۶، ۱۸۸ و ۴۳۳؛ ج ۵، ص ۱۱۱؛ ج ۱ ص ۶۷؛ ج ۲، ص ۲۰۵؛ ج ۱۰، ص ۱۲۱ و ۱۴۱ و....

تاکنون پژوهش‌های مختلفی درباره تفسیر گران‌سنگ المیزان و تفسیر المنار با رویکردهای متفاوت صورت گرفته‌اند، اما تا جایی که ما کاویده‌ایم، در خصوص موضوع این پژوهش، تحقیقی صورت نگرفته، یا منتشر نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد، موضوع این پژوهش، نو و بی‌سابقه باشد.

این تحقیق به لحاظ نوع و هدف آن، یک تحقیق بنیادی است؛ زیرا درصدد کشف حقایق بیشتر در یک سلسله موضوعات هستیم و به اعتبار موضوع، تحقیقی تفسیری است. این پژوهش به لحاظ روش جمع‌آوری اطلاعات، از نوع کتابخانه‌ای است و ماهیت آن، توصیفی و تحلیلی است؛ زیرا از یک سو به توصیف و تشریح آرای مفسران می‌پردازد و از سوی دیگر، علل و عوامل آن را برمی‌رسد.

در این تحقیق، مراحل ذیل را در بررسی هر یک از نقدهای مرحوم علامه (ره) پیموده‌ایم:

۱. بررسی کلی اقوال مفسران پیشین و معاصر درباره آیه و موضوع مورد بحث. البته در طرح آرای مفسران به حدی که به وضوح دیدگاه دو مفسر یادشده کمک می‌کنند، بسنده کرده‌ایم؛
۲. مقایسه نظر مؤلفان المنار با مفسران پیشین به منظور شناخت پیشینه تاریخی دیدگاه المنار و دستیابی به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با آرای پیشین؛
۳. توضیح دقیق محل اختلاف مفسران مورد نظر. گاه در تفسیر یک آیه نظر مرحوم علامه (ره) با مؤلفان المنار از چند جهت متفاوت است، اما مرحوم علامه (ره) تنها به نقد یک یا دو جهت پرداخته‌اند به همین دلیل ما نیز به تحلیل و بررسی همان جهت‌ها، بسنده کرده‌ایم؛
۴. توضیح مبسوط دیدگاه المنار به منظور طرح نقد علامه (ره). در توضیح دیدگاه المنار، سعی کرده‌ایم از دیگر آرای المنار نیز بهره بگیریم؛ تا از یک سو حق مطلب را ادا کرده باشیم و از سوی دیگر تبدل رأی، یا تناقض‌های احتمالی در آرای المنار مشخص گردد؛
۵. توضیح نقد علامه (ره). در این مرحله اولاً، از آرای دیگر ایشان در المیزان بهره برده‌ایم؛ ثانیاً، به منظور رعایت اختصار از توضیح کامل دیدگاه ایشان درباره آیه مورد بحث پرهیز کرده و تنها به شرح قسمت‌هایی که ناظر به نظر مؤلفان المنار است، بسنده کرده‌ایم؛ مگر در مواردی که تحلیل نقد ایشان در گرو طرح همه سخن ایشان بوده است؛
۶. طرح و بررسی دفاع مفسران معاصر از دیدگاه المنار. در این مرحله اگر مفسر مورد نظر استدلال دیگری در جهت تأیید نظر المنار، طرح کرده باشد، آن را نقد و بررسی کرده‌ایم و در غیر این صورت، به یادآوری اصل دفاع، بسنده نموده‌ایم؛

۷. طرح و بررسی نقد برخی مفسران و اندیشمندان معاصر درباره نظر المنار. در این مرحله نیز همانند مورد پیشین مشی کرده‌ایم؛

۸. جمع‌بندی و سخن نهایی. در این مرحله کوشیده‌ایم مواردی را که نقد علامه (ره) بر نظر المنار وارد نبوده یا همخوانی ندارد، تبیین کنیم و اگر در موردی از نقد مرحوم علامه (ره) پاسخی داده شده باشد، آن را ارزیابی نماییم.

کتاب حاضر مشتمل بر سه بخش و یک ضمیمه است؛ در بخش یک به معرفی اجمالی المنار و ویژگی‌های آن پرداخته‌ایم و المنار را با تفسیر گرانسنگ المیزان در موضوعاتی مانند رویکرد عقلی، جامعه‌نگری، کاربرد روایات، مقایسه کرده و سنجیده‌ایم.

در بخش دوم، ۲۲ مورد از نقدهای مرحوم علامه طباطبایی (ره) بر المنار را در موضوعات نبوت، امامت و احکام تحلیل و بررسی کرده‌ایم.

در بخش سه، کاستی‌های اساسی تفسیر المنار را از دیدگاه علامه (ره) روشن کرده‌ایم؛ در این بخش تلاش کرده‌ایم آرای متنوع و پراکنده المنار را جمع‌آوری کرده و با استشهاد به آنها، نظریات مرحوم علامه (ره) را مستند سازیم.

در ضمیمه، فهرست نقدهای دیگر علامه (ره) بر المنار را که در این اثر، طرح و بررسی نشده‌اند، یادآور شده‌ایم.

کتاب حاضر حاصل پایان‌نامه سطح ۴ نگارنده است که با اندک اضافات و اصلاحاتی به پیشگاه اهل نظر عرضه می‌شود؛ بنابراین بر خود لازم می‌دانم از استاد محترم راهنما حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد غروی که با راهنمایی‌های دقیق و عالمانه و با سعه صدر مرا در انجام این مهم یاری کردند، تشکر و قدردانی نمایم؛ همچنین از استاد محترم مشاور حجت‌الاسلام والمسلمین فیاضی که با دقتی بسیار نکاتی را در رفع کاستی‌های این اثر یادآور شدند، تشکر می‌کنم و لازم است از حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی قدردانی نمایم که مسئولیت ارزیابی این اثر را پذیرفته و با مطالعه دقیق، نکات ارزنده‌ای جهت رفع کاستی‌ها و ارتقای این پژوهش بیان نمودند.

در پایان سپاس و قدردانی خود را از گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، برای نشر این اثر، اعلام می‌دارم.

بخش اول

معرفی اجمالی المیزان، المنار و مؤلفان آنها

فصل اول

معرفی مؤلفان المیزان، المنار و سبک تفسیری آنها

گفتار اول: معرفی مؤلفان المیزان و المنار

زندگی نامه علامه طباطبایی (ره)

علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) در سال ۱۳۲۱ق، در خانواده‌ای اهل علم و فضیلت در تبریز به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۷ق، پس از گذراندن تعلیمات ابتدایی به تحصیل علوم دینی پرداخت. دوره مقدماتی، سطح و عالی حوزه را در مدت هفده سال در تبریز و نجف گذراند. در فقه و اصول از محضر آیات عظام محمد حسین نائینی و محمد حسین اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی در نجف اشرف بهره وافی برد. از مرحوم نائینی (ره) اجازه اجتهاد و روایت و از مرحوم شیخ علی قمی، شیخ عباس قمی و آیت الله بروجردی اجازه روایت گرفت؛ کلیات علم رجال را نزد آیت الله حجت کوه کمره‌ای و کتاب‌های منظومه، اسفار، مشاعر، دوره شفا، اتولوجیا، تمهید ابن ترکه و اخلاق ابن مسکویه را از محضر فیلسوف محقق، سید حسین بادکوبی آموخت. با سفارش استادش مرحوم بادکوبی، یک دوره حساب استدلالی، یک دوره هندسه مسطحه و فضایی و جبر استدلالی را در محضر ریاضی دان عصر، مرحوم ابوالقاسم خوانساری فراگرفت. در سال ۱۳۵۴ق، به تبریز بازگشت و ده سال بعد به قم هجرت کرد.^۱ پی‌ریزی شیوه‌ای نو و ابتکاری در تفسیر قرآن، احیای فلسفه و تفکر عقلی در حوزه علمیه قم، ترویج معارف اسلامی از منابع اصیل آن، نشر و دفاع معقول از عقاید شیعه، تربیت و پرورش شخصیت‌های برجسته علمی و فکری و... حاصل کوشش بی‌دریغ و پرمارت علامه طباطبایی (ره) در مدت اقامتشان در قم است. علامه (ره) سرانجام در ۱۸ محرم سال ۱۴۰۲ق، دار فانی را وداع کرد.

۱. الاوسی، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ص ۵۲-۵۸.

افزون بر المیزان، تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث والقرآن، اصول فلسفه، بدایة الحکمه، نهاية الحکمه، حاشیه بر کفایه، حاشیه بر اسفار، سنن النبى، ... و ده‌ها رساله در موضوعات مختلف فلسفی، کلامی، اجتماعی و... از آثار ارزنده و ژرف علامه طباطبایی (ره) هستند.

زندگی نامه شیخ محمد عبده

وی در سال ۱۲۶۶ق، در یکی از روستاهای مصر به نام «محلہ نصر» متولد شد. نامش محمد بود و پدرش را عبده خطاب می‌کردند، شغل او در ابتدا کشاورزی بود.

در سیزده سالگی به اجبار پدر برای تعلیم معارف اسلامی وارد مرکز «جامع احمدی» شد. او آموزه‌های آنجا را دوست نداشت و آنجا را رها کرد، اما پس از مدتی به سفارش شیخ درویش (دایی پدرش) که نظریات او را می‌پسندید، دوباره به جامع احمدی بازگشت و سپس به جامع الازهر رفت.

عبده علاوه بر شیخ درویش، از محضر شیخ حسن الطویل و سیدجمال‌الدین اسدآبادی بهره برد. همچنین به توصیه سیدجمال به مطالعه علوم عقلی و تدریس پرداخت. او شاگردان بسیاری تربیت نمود که از جمله می‌توان به محمد رشید رضا، سعد زغلول، طه حسین، عبدالقادر مغربی، مصطفی عبدالرزاق و احمد مصطفی مراغی اشاره کرد.

عبده افزون بر تدریس، فعالیت سیاسی هم داشت و عضو حزب وطنی شد. وی همچنین بنا به پیشنهاد ریاض پاشا (وزیر خدیو پاشا) به سردبیری روزنامه وقایع مصریه منصوب شد. عبده در انتشار روزنامه عرو الوثقی با سیدجمال نیز همکاری می‌کرد. وی پس از چند سال و با تغییر و تحولی که در بدنه سیاسی - اجتماعی جامعه ایجاد شد، با عضویت انتسابی در اواخر عمر در مجلس شورا که هیئتی مشورتی بود، زندگی خویش را سراسر برای اصلاح فکر دینی و سازمان‌های دینی و فعالیت‌های خیریه وقف کرد.

در سال ۱۳۲۱ق، خدیو مصر، عبده را به مقام مفتی منصوب کرد و تا پایان عمر بر این مسند باقی ماند. وی در سال ۱۳۲۳ق، از بیماری سرطان درگذشت.

مهم‌ترین آثاری که از عبده به جای مانده است عبارت‌اند از:

المنار؛ رساله توحید؛ حاشیه بر شرح دوانی در عقاید عضدی؛ شرح نهج البلاغه؛ الاسلام و النصرانیة؛ اسلام و پاسخ منتقدینش؛ اصلاح محاکم شرعی.^۱

زندگی نامه سید محمد رشید رضا

سید محمد رشید رضا در سال ۱۲۸۲ق، در روستای قلمون از توابع طرابلس لبنان، در خانواده‌ای مذهبی مشهور به بیت آل‌الرضا به دنیا آمد. نسبش به امام حسین(ع) می‌رسد. وی درس‌های مقدماتی را نزد پدرش که از روحانیان بوده گذراند، سپس در مدرسه ملی اسلامی که از مدارس پیشرو آن زمان بود، به تحصیل خود ادامه داد؛ با انحلال مدرسه یادشده، تحصیلات خود را در یکی از مدارس دولتی عثمانی به پایان رساند؛ رشید رضا افزون بر تمایل به تصوف و درون‌گرایی، به تبلیغ دین و ارشاد مردم نیز اهتمام داشته است او در این باره می‌نویسد:

پیش از اشتغال به تحصیل علم در طرابلس به عبادت و تصوف، اهتمام و تمایل داشتم؛ به هنگام تلاوت قرآن در پی پندپذیری از مواعظ قرآن نسبت به آخرت‌گرایی و زهد در دنیا بودم؛ تا اینکه احساس کردم واجد شایستگی لازم برای راهنمایی مردم هستم؛ در نتیجه در محافل عمومی حاضر شده و با تکیه بر آیات قرآن آنان را پند می‌دادم؛ در موعظه‌هایم ترهیب، تخویف و انذار و دعوت به زهد غلبه داشت.^۱

رشید رضا به تدریس و تبلیغ اشتغال داشت تا اینکه با یکی از شماره‌های مجله عرو الوثقی آشنا شد و به شدت تحت تأثیر افکار و آرای سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده قرار گرفت. او ویژگی‌های مهم عرو الوثقی را در سه امر خلاصه می‌کند:

۱. تبیین سنن و قوانین الهی حاکم بر جهان و اجتماع انسانی و بیان عوامل رشد و انحطاط ملت‌ها؛

۲. تبیین نظام سیاسی و حکومتی اسلام و اینکه اسلام در پی سعادت دنیا و آخرت ملت‌هاست؛

۳. تفرقه‌زدایی و تلاش در جهت تحقق وحدت میان مذاهب اسلامی.

مطالعه مجلات عرو الوثقی اشتیاق زیادی در رشید رضا برای ملاقات با سید جمال‌الدین اسدآبادی پدید آورد، اما وفات سید جمال، رشید رضا را از دیدار او محروم ساخت. در سال ۱۳۱۵ق، محمد عبده به مصر بازگشت و رشید رضا به ملاقات او رفت و از خواص و نامدارترین شاگردان عبده شد.^۲

رشید رضا با انتشار ماهنامه القنار در مدت سی سال به تبلیغ آرای سلفیه و نقد عقاید رایج مسلمانان، به‌ویژه شیعه پرداخت؛ در سال ۱۳۳۱ق، جمعیه‌الدعو والارشاد را به منظور سامان‌بخشی به امر تبلیغ دین تأسیس کرد.^۳

۱. رشید رضا، المنار، ج ۱، ص ۱۰.

۲. هقان.

۳. www.taqrrib.info؛ به نقل از: عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۵۷.

رشید رضا به حوزه سیاست هم وارد شد. کوشش او در جنبش عرب در سوریه به شهرت او انجامید؛ تا اینکه در سال ۱۳۴۲ق، به ریاست کنگره ملی سوریه در دمشق، برگزیده شد.^۱ او در سال ۱۳۵۴ق، هنگام مراجعت از سوئیس به قاهره ناگهان درگذشت. از آثار او می‌توان تفسیر المنار، الوحی المحمدی، یسیر الاسلام و اصول التشريع، الوهایون والحجاز، محاورات المصلح والمقلد، ذکری المولد النبوی و مناسک الحج و حکمه را نام برد.^۲

گفتار دوم: ویژگی‌ها و سبک المیزان و المنار

المیزان

ویژگی‌های المیزان

علامه طباطبایی (ره) تدوین تفسیر المیزان را در سال ۱۳۷۴ق، آغاز کرد و در سال ۱۳۹۲ق، در بیست جلد به پایان رساند. انتشار المیزان با ویژگی‌هایی چون: بهره‌مندی از منابع و مدارک متعدد، حفظ استدلال قرآن و پرهیز از تأویل‌گرایی، تنوع و جامعیت معارف، هماهنگ‌سازی بین عقل و نقل در فهم قرآن، جمع بین تفسیر ترتیبی و موضوعی، نقد عالمانه رویکرد اخباری‌گری و علم‌گرایی افراطی، درگیر شدن با اندیشه‌های جدید بشری، دفاع عقلانی و استوار از مکتب تشیع، پرهیز از زیاده‌گویی و تحلیل و بررسی عالمانه آرای مفسران و...، شگفتی و تحسین اندیشمندان و فرهیختگان شیعه و سنی را برانگیخت و در میان آنان به موسوعه بزرگ در تفسیر قرآن،^۳ دایره المعارف قرآنی،^۴ شهر حکمت و مدینه فاضله^۵ و... نام گرفت.

شهید مطهری در وصف المیزان می‌نویسد:

تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد؛ من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است؛ کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در تفسیر المیزان پیدا نکرده باشم. تفسیر المیزان را مردم ما شصت و یا صد سال دیگر می‌فهمند که چیست.^۶

دارالتقریب بین المذاهب در مصر، پس از انتشار دو جلد از المیزان در سال ۱۳۷۵ق، و مطالعه آن، در گزارشی در نشریه این مجمع — رساله الاسلام — قدرت عظیم و شگرف علمی و بیان

۱. هقان. ۲. ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۶۶۴.

۳. شمس، سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبایی (ره) از نگاه فرزندان، ص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۴. هقان، ص ۳۳۵.

۵. هقان، ص ۳۳۹.

۶. هقان، ص ۳۹۱.

رسا، پرهیز از تعصبات مذهبی، پرهیز از بی‌تفاوتی در برابر مذهب، تکیه بر قرآن در فهم کلام الهی، اعتماد نکردن به روایات ناهمگون در فهم قرآن، پرهیز از تأویل قرآن بر مبنای دیدگاه‌های علمی، فلسفی و مذهبی را بارزترین ویژگی تفسیر المیزان می‌شمارد.^۱

شیخ محمد فحام، رئیس انجمن فرهنگی مصر، تفسیر المیزان را بهترین تفسیر می‌شمارد.^۲ دکتر زحیلی، مفسر معاصر و نویسنده تفسیر المنیر تصریح کرده است که در نگارش تفسیر خود، از المیزان به عنوان یکی از منابع مهم و درخور توجه، بهره جسته است.^۳ فهد بن عبدالرحمن رومی اگرچه با نگاهی متعصبانه به شیعی بودن المیزان هشدار داده و به گمان خود ضعف‌های المیزان را یادآور شده است اما در عین حال، در وصف المیزان می‌نویسد:

من به راستی در شگفتم، از این قدرت عقلانی که تو را در عمق دریای توفانی و کنترل ناشدنی معانی به غواصی واداشته و حقایق پیچیده و عمیق را به صورت واضح در منظر اندیشه‌ها قرار می‌دهد.^۴

سبک المیزان

طرح مبانی و روش تفسیری علامه طباطبایی (ره) در این مجال نمی‌گنجد؛ از همین رو، تنها به اختصار سبک تفسیری علامه (ره) را در چند بند، توضیح می‌دهیم:

۱. تبیین هدف و موضوع محوری سوره و تفسیر آیات سوره با التفات به غرض و هدف همان سوره؛
۲. تقسیم سوره به بخش‌های متفاوت با تکیه بر سیاق آیات؛
۳. تکیه بر محتوای سوره و اعتماد نکردن به روایات در تعیین مکی و مدنی بودن سوره؛
۴. تحلیل و بررسی واژگان کلیدی و تعیین مدلول و مصداق واژگان با تکیه بر وضع تعینی واژه برای معنای کلی و غرض مطلوب از معنا؛
۵. تبیین و توضیح مفهوم و مراد آیه با تکیه بر آیات دیگر؛
۶. تحلیل و بررسی آرای مفسران؛
۷. تحلیل و بررسی و پالایش روایات تفسیری و هماهنگ‌سازی بین مدلول آیه و روایات؛
۸. طرح مباحث گوناگون فلسفی، علمی، اجتماعی، تاریخی و... مرتبط با آیات به صورت مستقل.

۱. سجادی، «الاقیازان در پژوهش‌های اهل سنت»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۹ و ۱۰، ص ۲۱۰.

۲. هقان، ص ۲۱۲.

۳. هقان.

۴. هقان، ص ۲۱۱.

المنار

تدوین المنار

المنار، تفسیری نام‌آشنا، به روش جامع، اما ناتمام است که در آیه ۵۳ سوره یوسف و در دوازده جلد پایان می‌یابد. از ابتدای قرآن تا آیه ۱۲۶ سوره نساء به انشاء شیخ محمد عبده و املاء سید محمد رشید رضاست. پس از آن رشید رضا با پیروی از سبک استادش عبده و تکیه بر دانش خود و اندوخته‌هایش از محضر استاد، آن را تا آیه ۵۳ سوره یوسف ادامه داده است.

رشید رضا، نخستین بار با مطالعه مجلات عرو الوثقی، با افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده آشنا شده و به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. عزم ملاقات با سید جمال می‌کند اما وفات سید جمال او را از این مهم بازمی‌دارد؛ تا اینکه در سال ۱۳۱۵ق، شیخ محمد عبده به مصر بازمی‌گردد و رشید رضا به ملاقات او رفته و تقاضا می‌کند که عبده، درس تفسیری ارائه کند و پس از اصرار زیاد، موافقت وی را جلب می‌کند. تدریس تفسیر در دانشگاه الازهر و در سال ۱۳۱۷ق، آغاز شده و تا نیمه محرم ۱۳۲۳ق، به مدت شش سال ادامه می‌یابد. عبده تفسیر جلالین را به عنوان متن درسی قرار می‌دهد و در هر جلسه نخست قسمتی از آن را خوانده سپس آرای خود را بیان می‌کند. رشید رضا نظریات استاد را ضبط و با اضافاتی از خود و دیگر مفسران و تصحیح و تهذیب نهایی از سوی عبده که معمولاً به حذف یا افزودن چند کلمه بسنده می‌کرده، در مجله المنار به چاپ می‌رساند.^۱

سبک تفسیری عبده

محمد عبده را بنیانگذار روش ادبی اجتماعی در تفسیر قرآن شمرده‌اند؛^۲ کسی که با تکیه بر عقل و رهایی از قید تقلید و جمود فکری، در پی ترسیم روش و برنامه تربیتی برای امت اسلامی بر پایه فهمی نو از آیات قرآن بود و امت اسلامی را به رجوع مجدد به آموزه‌های قرآن، رهایی از تقلید و جمود فکری، تأثرات مذهبی و آراسته شدن به آداب و اخلاق قرآن همچون شجاعت، کرامت، حفظ ارزش‌ها فرامی‌خواند؛^۳ ذهبی در این باره می‌نویسد:

استاد عبده کسی بود که به تنهایی در بین بزرگان و استادان الازهر آنان را به تجدید و رهایی از تقلید فراخواند؛ عقل و تفکر آزادش را در نوشته‌هایش به کار گرفت و با افکار خشک گذشتگان

۱. رشید رضا، المنار، ج ۱، ص ۱۵؛ ر.ک: معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. ذهبی، التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۵۴۸؛ معرفت، هقان، ج ۲، ص ۴۸۳.

۳. معرفت، هقان، ص ۴۸۴.

همراهی نکرد؛ او افکار و عقایدی متفاوت با گذشتگان داشت و این آزادی عقلی و انقلاب علیه گذشته تأثیر زیادی در سبک وی گذاشت؛ در تفسیر خود نیز به همین شیوه عمل کرد.^۱

رشید رضا در توضیح ویژگی‌های شیوه تفسیری استادش عبده می‌نویسد:

۱. آیاتی را که مضمون و سیاق واحد داشتند می‌خواند و سپس به تفسیر آنها می‌پرداخت؛
۲. در تفسیر آیات، بیشتر به آنچه با غفلت دیگر مفسران مواجه شده بود یا کمتر به آن توجه کرده بودند، می‌پرداخت؛
۳. از طرح مباحث لغوی و ادبی غیر ضرور پرهیز می‌کرد و تنها به ذکر نکاتی که فهم آیه به آنها بستگی داشت، اکتفا می‌کرد؛
۴. به نقل آرای مفسران توجهی نداشت و پیش از درس هیچ تفسیری را مطالعه نمی‌کرد؛
۵. روایاتی را که فهم و تفسیر آیه بر آن مبتنی نبود یادآور نمی‌شد؛
۶. مبهمات قرآن را توضیح نمی‌داد و بر این باور بود که اگر سودی در دانستن آنها بود، خداوند خود به گونه‌ای روشن آن را بیان می‌کرد؛
۷. در تفسیر آیات قصص، قوانین حاکم بر جوامع بشری و راز تمدن و سقوط امت‌ها را کشف و بیان می‌کرد؛
۸. در تفسیر آیات الاحکام، بیشتر به فلسفه احکام و مصالح فردی و اجتماعی آنها توجه داشت؛
۹. از طرح اختلاف‌های مذهبی و فقهی و کلامی و... پرهیز داشت.^۲

افزون بر ویژگی‌های یادشده، اموری مانند تفسیر قرآن در پرتو حقایق ثابت علمی، تأثیرناپذیری از اصطلاحات علوم و فنون، پاسخ علمی و منطقی به شبهه‌ها، نقد روشنگرانه از اسرائیلیات را از ویژگی‌های روش تفسیری عبده شمرده‌اند.^۳

ذهبی ضمن تجلیل و تعظیم روش و نقش تأثیرگذار عبده در حوزه قرآن‌پژوهی، به پاره‌ای از کاستی‌های بنیادین رویکرد قرآنی عبده چنین توجه می‌دهد:

۱. افراط در عقل‌گرایی و تأویل حقایق شرعی؛
۲. تأثیرپذیری از عقاید معتزله؛
۳. حمل الفاظ قرآن بر معانی ناشناخته در نزد اعراب عصر نزول؛
۴. رد و انکار روایات صحیح؛

۱. ذهبی، التفسیر والمفسران، ج ۲، ص ۵۵۴ و ۵۵۵.

۲. رشید رضا، المنار، ج ۱، ص ۱۵ و ۱۴؛ ص ۳۲۰؛ ج ۲، ص ۳۳۹-۴۰۱ و...

۳. ذهبی، التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۵۴۹؛ معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.

۵. تکیه نکردن بر خبر واحد در عقاید؛

۶. پایبند نبودن به مبنایش در پرهیز از تفسیر مبهمات.^۱

نقد و بررسی مفصل روش تفسیری عبده در حوصله این نوشتار نیست، ولی در فصل دوم همین بخش، به اختصار پاره‌ای از ویژگی‌های روش تفسیری عبده و شاگردش رشید رضا را وامی‌کاویم.

سبک تفسیری رشید رضا

روش تفسیری رشید رضا نیز همان روش استادش عبده است؛^۲ اما تفاوت‌هایی درخور توجه با روش استاد دارد. رشید رضا تفاوت روش خود با روش استادش را چنین برمی‌شمرد:

۱. اهتمام بیشتر به طرح روایات تفسیری و روایاتی که به‌نوعی در روشن‌سازی مضمون آیات، مفیدند؛

۲. تحلیل و بررسی واژه‌های قرآنی؛

۳. طرح و بررسی آرای دانشمندان؛

۴. افزودن بر آیات استشهادی در تفسیر آیه؛

۵. طرح مباحث استطرادی.^۳

افزون بر امور یادشده، تفاوت‌های دیگری بین روش تفسیری استاد و شاگرد به چشم می‌خورد، از جمله:

عبده، مشی معتدلی در رویارویی با افکار مخالفان داشت و کمتر به مباحث اختلافی مذاهب می‌پرداخت، اما رشید رضا از یک‌سو ادعا می‌کند از ورود به مباحث اختلافی مذاهب پرهیز کرده است،^۴ اما به دفعات به‌طور غیر منصفانه به آرای مخالفان خود، به‌ویژه شیعه، حمله می‌کند.^۵

عبده، برخلاف رشید رضا ادله عقلی را از راه‌های تحصیل ایمان و یقین می‌شمارد.^۶ عبده، پس از توضیح این مطلب که در تفسیر آیات و روایات ناظر به صفات و اسماء الهی و عالم غیب که موهم تشبیه است، دو روش سلف و خلف^۷ وجود دارد، اذعان می‌کند که من اگرچه

۱. ذهبی، هقان، ص ۵۶۰-۵۶۹.

۲. ذهبی، التفسیر والمفسران، ج ۲، ص ۵۴۸.

۳. رشید رضا، المنار، ج ۱، ص ۱۶.

۴. هقان، ج ۵، ص ۱۶ و ۱۷؛ ج ۶، ص ۴۶۶؛ ج ۸، ص ۲۲۴.

۵. هقان، ج ۸، ص ۲۲۵؛ ج ۱، ص ۸۲ و ۳۰۷. ۶. هقان، ج ۱، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

۷. یکی روش سلف است که ضقه‌ن تنزیه خداوند از صفات مخلوقات، درباره تفسیر آیات و روایات یادشده توقف کرده و فهم حقیقت را به خداوند واگذار می‌کردند؛ و دیگری روش خلف است که هر دلیل نقلی را که برخلاف حکم قطعی عقل باشد، تأویل کرده و مضه‌ون آن را با حکم عقل، سازگار می‌کنند

در موضوع یادشده بر روش سلف بوده و تسلیم و تفویض را لازم می‌دانم، اما در فهم و تفسیر آیات قرآنی بر هر دو روش مشی می‌کنم؛ زیرا آیات قرآن، مانند هر کلام دیگری باید معنای مفیدی داشته باشند و معقول نیست خداوند کلامی بر ما القا کرده باشد که ما معنای صحیحی از آن تلقی نکنیم.^۱ رشید رضا پس از نقل سخن عبده، اذعان می‌کند که (برخلاف استاد) در فهم آیات یادشده نیز بر روش سلف است.^۲

ویژگی دیگر رشید رضا اثرپذیری از افکار کسانی همچون ابن تیمیه، ابن قیم^۳ و غزالی است. گلدزیهر درباره نقش غزالی در شکل‌گیری شخصیت علمی رشید رضا می‌نویسد:

غزالی پرهیز از تقلید و زواید متفرع بر فقه را به رشید رضا آموخت؛ و اینکه در دینداری باید به تهذیب خلق و عمل به روح شریعت توجه داشت و نباید تنها به انجام عبادات به گونه‌ای صوری و ابزاری بسنده کرد.^۴

رشید رضا، کتاب احیاء علوم الدین غزالی را شگفت‌انگیزترین کتاب تدوین‌شده در موضوع تصوف یاد نموده و اینکه چندین بار آن را مطالعه کرده و به آن رجوع می‌کند و اینکه بیشترین تأثیر را در دین، اخلاق، علم و عمل او داشته، اذعان دارد.^۵

رشید رضا چندین بار به آرای غزالی استناد کرده و با عبارت «لله درّابی حامد، لله درّ ما أدقّ فهمه لحکمة القرآن» اعجاب خود را نسبت به کارها و آرای غزالی نشان می‌دهد و اذعان می‌کند که غزالی افزون بر درک حقایق معنوی، در درک حقایق حسی نیز دارای نبوغی خاص است^۶ و اینکه غزالی دچار تعصبات مذهبی نشده و آرای او در صفات و اسماء الهی، همان آرای سلف هستند.^۷

البته نکته درخور توجه این است که رشید رضا به کاستی‌های آرا و روش غزالی در فهم دین نیز توجه داشته است. استناد به روایات ضعیف یا جعلی و استناد به کلام کسانی که به تعبیر رشید رضا، جهله متصوفه‌اند و همچنین مبالغه در تبیین برخی مفاهیم مانند زهد و توکل را به عنوان لغزش‌های غزالی برمی‌شمارد.^۸

۱. هقان، ص ۲۵۲.

۲. هقان

۳. توضیح این مطلب در بخش خاتمه خواهد آمد. ۴. گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۳۶۸.

۵. هاشدقی، «یک عنصر سلفی»، مجله خردنامه، ش ۱۵، ص ۴-۶.

۶. رشید رضا، المنار، ج ۵، ص ۵۶؛ ج ۳، ص ۲۰۰؛ ج ۱، ص ۴۴۸-۴۵۰؛ ج ۷، ص ۳۲۷؛ ج ۳، ص ۱۱۰.

۷. هقان، ج ۴، ص ۵۰؛ ج ۱، ص ۷۷، ۷۸ و ۴۵۰؛ ج ۹، ص ۱۸۴؛ ج ۳، ص ۱۲ و ۲۹.

۸. هقان، ج ۷، ص ۳۱؛ ج ۴، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

فصل دوم

مقایسه شاخصه‌های کلی المنار با المیزان

مجال آن نیست که به تفصیل شاخصه‌های المنار با المیزان را مقایسه و بررسی کنیم؛ اما می‌کوشیم، تفاوت این دو تفسیر را در موضوعات مهم و اثرگذار در حوزه قرآن پژوهی بکاویم. در این فصل برآنیم تا به اجمال ویژگی‌های المنار، در زمینه‌های کاربرد عقل، جامعه‌نگری، علم‌گرایی و کاربرد روایات را در مقایسه با المیزان بررسی کنیم.

کاربرد عقل

رویکرد عقلی در فهم مقاصد قرآن، از ویژگی‌های مهم المیزان و المنار شمرده می‌شود. از نظر مفسران این دو تفسیر، عقل نقشی اساسی و بی‌بدیل در فهم معانی و مقاصد قرآن دارند. به همین دلیل، رویکرد عقلی در فهم و درک قرآن از وجوه مشترک هر دو تفسیر است. اما در عین حال بهره‌گیری مفسران یادشده از عقل یکسان نبوده و به‌طور چشمگیر با هم متفاوت‌اند. این موضوع را در چند محور پی می‌گیریم:

الف) عقل و فهم قرآن

مؤلفان المنار در مواردی تأکید دارند که بدون بهره‌گیری از عقل نمی‌توان فهم صحیحی از معارف قرآن به دست آورد. قرآن نه تنها رویکرد عقلی را نفی نکرده، بلکه در آیات بی‌شماری بر تدبیر و تعقل در آیاتش اصرار دارد و تدبیر در قرآن بدون آزاداندیشی میسر نمی‌شود. به همین دلیل، اسلام دین فطرت، عقل، فکر، حکمت، برهان و آزاداندیشی است و نباید در فهم قرآن راه تقلید را پیمود.^۱

۱. ر.ک: رشید رضا، المنار، ج ۱، ص ۲۵۰؛ ج ۱۱، ص ۲۴۴؛ ج ۵، ص ۲۹۶.